

متن پرسش

سلام وقت شما بخیر و نور: سوالی در حیطه ی جبر و اختیار در انتخاب همسر داشتیم اصل مسئله این است، نظر به مبحث اعیان ثابت، همسر را من انتخاب می‌کنم یا خداوند مقدر فرموده؟ اگر من به کسی نه بگویم، نه گفتن من، به اراده ی خداوند است، یا به اختیار خودم؟ اگر مهر شخصی در دل من قرار گیرد، خداوند این مهر را در دل قرار داده یا خیر؟ آیا خدایی که این عالم و آدم را خلق کرده، در مسئله ی انتخاب همسر، که گفته شده نصف دین را شامل می‌شود، موضوع به این مهمی را به اختیار و عقل محدود بشر واگذار کرده؟ یا خیر، خداوند با توجه به درجات و درونیات و قوا و استعداد رشد هر کس، همسری برای او مقدر فرموده که رشد آن دو، با بودن در کنار یکدیگر رقم خورده سوال دوم اینجاست اگر شخص، تغییر کند، و رتبه وجودی اش بالاتر رود، همسر مقدر شده ی وی تغییر می‌کند؟ پیشاپیش تشکر از پاسخ گویی شما □

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: قرآن در آیات ۱۷۳ و ۱۷۳ سوره اعراف خبر از تعهد فطری انسان در مقابل خدا می‌دهد که انسان ذاتاً حق را می‌شناسد و ربوبیت او را پذیرفته، و از ابتدا والدین هرکدام مشخص بوده است. لذا می‌فرماید:

« وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتَ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ، أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَشْرَكَ آبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا ذُرِّيَّةً مِّنْ بَعْدِهِمْ أَفَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ الْمُبْطِلُونَ »

یعنی آنگاه که از فرزندان آدم، از پشت نسل‌هایشان، تعهد گرفتیم، خودشان را گواه خودشان گرفتیم، که آیا من رب شما نیستم؟ گفتند: آری شهادت می‌دهیم. این کار را کردم تا روز قیامت نگویند ما نسبت به ربوبیت تو غافل بودیم، یا بگویند که پدران ما مشرک بودند و ما هم فرزندان آنها بودیم و از خود اطلاعی نداشتیم، آیا ما را هلاک می‌کنی به جهت کاری که آن باطلان کردند؟
نتایج آیه :

الف □ ذات همه انسان‌ها با پروردگار خود روبرو شده‌است.

ب □ همه بدون استثناء ذاتاً به رب بودن خداوند شهادت داده‌اند.

ج □ همه با یک علم ذاتی و حضوری پروردگارشان را می‌شناسند.

د □ در قیامت بدکاران نمی‌توانند بگویند ما از ربوبیت خداوند بی‌اطلاع بودیم، چون جانشان

چنین تصدیقی را همواره داشته و آنها با مشغول کردن خود به دنیا، آن صدا را در خود خاموش کرده و در نتیجه نشنیدند.

ه □ با توجه به این ذات و فطرتِ آشنایِ به پروردگار هستی، نمی‌توانند بگویند چون پدران ما مشرک بودند ما هم مشرک شدیم و محیط و تربیت خانوادگی را بهانه‌ای برای بدبودن خود بگیرند. لذا ریشه اصلی بد بودن و خوب بودن هر کس، خود فرد است و محیط و خانواده و پدر و مادر و جامعه و ژن، همه‌شان علت مُعَدّه یا شرایط هستند و علت اصلی خود انسان است که در مقابل ندای فطرت چه موضع و انتخابی بکند. و چه بسا از والدین غیر صالح و در محیطی فاسد، انسان‌هایی متعالی سربرآورند، چرا که این انسان‌ها نگذاشتند صدای فطرت در جانشان خاموش شود. با توجه به موارد فوق می‌توان گفت از همان ابتدا والدین انسانها مشخص بوده، و خداوند ربوبیت خود را با آنها در میان گذارده. پس باید همسر هرکس در نسبت به فرزندى که مربوط به این همسر است، از قبل معلوم بوده باشد. موفق باشید